

استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران؛ تأملی بر تحولات تاریخی از دوره مشروطه تا قانون اساسی (با تأکید بر مرحله استخدام و گزینش)

میثم قلی زاده*

عباسعلی سلطانی**

محمدهادی قبولی درافشان***

چکیده

اصل استقلال قضا، یکی از اصول تضمین کننده دادرسی عادلانه است. استقلال از دو بعد قابل بررسی است: بعد اول، استقلال نهادی قوه قضاییه است که بر اساس آن، قوه قضاییه باید مستقل از دیگر قوا عمل کند و تحت تأثیر نفوذ و مقاصد سیاسی دیگر قوا نباشد. بعد دیگر استقلال، استقلال فردی قضا است و منظور از آن، اعمال نشدن هیچ گونه فشار از ناحیه مقامات مافوق و نیز فشارهای سیاسی است. البته استقلال قضایی دارای ابعاد گوناگونی است از جمله: بی طرفی، سلامت و شایستگی. قانون گذار برای تضمین اصل استقلال قضا، سازوکارهایی را در نظر گرفته است که از آن جمله می توان به رعایت مقررات در فرآیند جذب و گزینش قضا، اعمال مصونیت شغلی، مصونیت مدنی و مقررات مربوط به عزل، انتقال و تغییر قضا اشاره کرد. پیش بینی اصل استقلال قضایی در قوانین دوران مشروطه ظهور یافت و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی قوانین عادی به اصل استقلال قضا اشاره شده است. یکی از مهم ترین مراحل که اهمیت اصل استقلال قضا در آن نمود می یابد، مرحله ورود به خدمت و استخدام قضا است. مقررات مربوط به استخدام و گزینش قضا در اختیار قوه قضاییه است و از نظام عام استخدامی که در اختیار قوه مجریه است، خروج موضوعی دارد. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی قوانین موجود و تحولات تاریخی تضمین اصل استقلال قضا در فرآیند گزینش است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب خان های استفاده شده است. بر اساس این مطالعه، قانون گذار به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تلاش کرده است اصل استقلال قضا را به صورت مؤثرتری محقق کند، اما هم چنان کاستی هایی در تحقق کامل این اصل وجود دارد که برای رفع این مشکل، قوانین موجود باید اصلاح شوند.

کلیدواژه ها: استقلال فردی، استقلال نهادی، بی طرفی، قانون اساسی، تفکیک قوا، قوه قضاییه، استخدام، گزینش.

*. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. mr.meysamgh@yahoo.com

** . دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) soltani@um.ac.ir

***. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. h.ghaboli@um.ac.ir

مقدمه

در دولت مدرن مبتنی بر قانون اساسی، استقلال دستگاه قضایی در نظریه تفکیک قوا ریشه دارد. در نظام مبتنی بر نظارت و تعادل متقابل نهادهای حکومتی، تفکیک قوا به منظور جلوگیری از سوء استفاده از قدرت تدوین می‌شود. این استقلال به آن معناست که هم دستگاه قضایی به عنوان یک نهاد و هم قضات به عنوان تصمیم‌گیرندگان پرونده‌های قضایی باید وظایف و مسئولیت‌های خود را بدون اثرپذیری منفی از قوای مجریه و مقننه و دیگر عوامل فشار انجام دهند.

افزون بر ملاحظات سازمانی در تأمین استقلال شخصی قضات، مدل نظام سیاسی مبتنی بر نظریه تفکیک قوا نیز بر ضرورت استقلال قوه قضاییه از دیگر قوای حکومتی اثر دارد. استقلال قوه قضاییه در خدمت اهداف مهم سیاسی هم‌چون حفاظت از حاکمیت قانون، جلوگیری از تمرکز قدرت و استبداد سیاسی و کنترل قدرت در نظام نظارت و تعادل قرار گرفته است و نظام‌های مختلف بیش از پیش به اهمیت استقلال سازمانی قوه قضاییه توجه کرده‌اند.^۱

اصل استقلال قضایی که با محوریت استقلال قضات در دستگاه قضایی تعریف می‌شود، از بنیادی‌ترین اصول دادرسی منصفانه در دستگاه عدالت‌گزار قضایی به شمار می‌رود. دولت‌ها در قوانین و هنجارهای داخلی خود به شیوه‌های مختلفی برای تضمین آن تلاش کرده‌اند و در اسناد بین‌المللی هم بر آن تأکید شده است.^۲

تاریخ قضای اسلامی از حساسیت و ارزش والای قضاوت در راستای تحقق عدالت اسلامی و حفظ حقوق آحاد جامعه و برخورداری همه افراد از رسیدگی قانون‌مدار و عادلانه در دادگاهی منصفانه و بی‌طرف حکایت دارد. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز به تبعیت از الگوی اسلامی، برای قاضی به عنوان ارزشمندترین سرمایه قوه قضاییه در مقابله با مفسدین، جایگاهی رفیع قائل است.^۳

در تبیین هدف استقلال قضایی آورده‌اند که در رژیم‌های آزادی‌خواه و دموکراتیک، قوه قضاییه در مقابل قوه مجریه و قوه مقننه استقلال دارد و هدف از آن نیز تأمین بی‌طرفی در امر قضا و تضمین آزادی‌هاست.^۴ استقلال قضایی سه گونه است: استقلال به معنای انفکاک

۱. یاور، اسدالله و قاسم تنگستانی، «نظام پاسخ‌گویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتم، شماره ۹۵، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳.

۲. رستمی، ولی و همکاران، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، تهران: گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۶.

۳. فرمنش، طاهره و همکاران، «بررسی تعارض تبصره ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی با استقلال قضایی مجتهد»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲۴، ۱۴۰۰، ص ۳۵۲.

۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲، ص ۷۳.

نسبی قوا، استقلال شخصی و فردی قاضی و استقلال از حکومت و قدرت. دو نوع اول و دوم نسبی‌اند، ولی نوع سوم مطلق است و به هر میزان، نوع سوم استقلال قضا در جامع‌های قوی و نهادینه باشد، حفظ حقوق و آزادی‌های مشروع ملت و جامعه، به صورت بهتری امکان‌پذیر خواهد شد.^۱

استقلال قضایی از مسائل بنیادین حقوق عمومی است؛ زیرا اعتماد عمومی به حکومت، تحقق حکومت قانون و دادرسی عادلانه در هر جامعه تا حدود زیادی به میزان استقلال قضایی وابسته است. نهادینه شدن جریان مردمی و حکومت مردم‌سالار به تثبیت و اشاعه فرهنگ حاکمیت قانون و قانون‌گرایی ارتباط تام دارد و از سوی دیگر، استقلال قضایی از پیش‌فرض‌های مهم تثبیت فرهنگ قانون‌گرایی به شمار می‌رود.^۲ حساسیت موقعیت قوه قضاییه چنان استقلالی را می‌طلبد که با استقلال دیگر دستگاه‌های عمومی تفاوت کلی و اصولی دارد و یکی از ارکان استقلال ملت است.^۳

دستگاه‌های اداری دیگر قوا نیز از نظر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین زیر نظر سازمان بازرسی کل کشور قرار دارند و می‌توان از تصمیمات و اعمال خلاف قانون آن‌ها در دیوان عدالت اداری شکایت کرد. هر دو نهاد هم تحت نظارت رییس قوه قضاییه تشکیل شده‌اند. با این حال، قوه قضاییه، مستقل از دیگر قواست.^۴

در خصوص دلیل یا دلایل پیش‌بینی مقررات خاص استخدامی در نظام حقوقی ایران گفته شده است: «دلیل مستثنا کردن برخی از وزارت‌خانه‌ها و مؤسسه‌ها از شمول قانون استخدام کشوری روشن است. این دلایل، فنی و سیاسی هستند. چنان‌که قوه مقننه بر طبق دستور قانون اساسی، قوه مستقلی است، به این جهت لازم بوده است مسائل استخدامی و دیگر مسئله‌های اداری مربوط به این قوه از قلمرو قدرت قوه مجریه خارج باشد و به دست مسئولان خود قوه مقننه تنظیم گردد. در خصوص پیش‌بینی مقررات خاص استخدامی برای قضات نیز بیان شده است: دادرسان قوه قضاییه به علت اصل استقلال قضات مشمول قانون استخدام کشوری نیستند».^۵

۱. شاملو، باقر و شهرام محمدی، «نقض بی‌طرفی و استقلال قاضی؛ جلوه‌های از اقدام مُخِلِّ دادرسی عادلانه»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۶، ۱۳۹۰، ص ۱۱۸.

۲. لارکینز، کریستوفر، «استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه: محمدحسین زارعی، راهبرد، شماره ۲۵، ۱۳۸۱، ص ۳۹.

۳. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۲)، تهران: میزان، ۱۳۸۹، ص ۳۷۳.

۴. محسنی، حسن و مجید غمامی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۴، ص ۳۰۳.

۵. ابوالحمید، عبدالحمید، حقوق اداری ایران (جلد ۲)، تهران: توس، چاپ هشتم، ۱۳۸۸، ص ۸۵.

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی موضع نظام حقوقی ایران نسبت به وضعیت استقلال قضاوت در مرحله گزینش با توجه به قوانین عادی، قانون اساسی و نیز قوانین مصوب در دوران مشروطیت است. دلایل تضمین کننده استقلال قضایی در دو بعد استقلال نهادی و فردی قابل بررسی است. در خصوص تضمین استقلال فردی، مواردی مانند مصونیت شغلی، شیوه گزینش و استخدام، نحوه ترفیع رتبه و جابه‌جایی در مقررات مربوط به قانون اساسی و نیز قوانین عادی و قوانین قبل از انقلاب اسلامی قابل بررسی است. روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتاب‌خان‌های استفاده شده است.

گفتار اول. مفهوم‌شناسی استقلال قضایی

دو مفهوم «عدالت» و «دادرسی» در تاریخ تمدن بشری ریشه دارند و عدالت از زمان‌های گذشته جزء ذاتی دادرسی محسوب می‌شود. دادرسی عادلانه شامل اصول و موازین گوناگونی است که اصل استقلال از آن جمله است. منظور از استقلال قضایی این است که دادرسان در صدور رأی تن‌ها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و به دستورها، نظرها و خواسته‌های دیگران توجهی نداشته باشند، از هیچ مانع و رادعی نهراسند و بیم انفصال، تنزل رتبه و مقام تغییر محل خدمت و موقعیت شغلی به خود راه ندهند.^۱

استقلال قضاوت، یکی از اصول اساسی دولت مشروطه و یکی از دستاوردهای حکومت‌های دموکراتیک مدرن تلقی می‌شود. در قوانین اساسی بسیاری از کشورها به ضرورت استقلال قضایی و حسب مورد، برخی از تضمین‌های این اصل توجه شده است. ایده کلی آن است که هیچ شخص یا مقام دولتی یا غیر دولتی نباید بتواند نظر و تصمیم خود را به قاضی دیکته کند.^۲ به نگاه برخی از حقوق دانان، «قضاوت فقط باید از حیث مقام و عدم اعمال نفوذ دارای استقلال باشند که در احقاق حق و صدور دادنامه از هیچ مانع، رادع و مؤاخذهای بیم نداشته و از انفصال یا تغییر محل خدمت یا هیولای رعب‌انگیز انتظار خدمت نهراسند».^۳

بند اول. استقلال نهادی

استقلال نهادی به این معناست که قوه قضاییه باید از دیگر قوا یعنی قوه مجریه و

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری (جلد ۴)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۹.

۲. تنگستانی، ابوالقاسم، ویژگی‌های اختصاصی شغل قضاوت نسبت به سایر مشاغل دولتی (از حیث تأثیر آن در طراحی نظام خاص استخدامی)، زیر نظر: عباس تازنی‌زاده، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۷، ص ۵.

۳. نوری‌زاده، حسین، «امنیت قضایی»، ماهنامه کانون وکلا، بی تا، ص ۳۳.

مقننه مستقل باشد و با شناسایی تفکیک قوا باید از قوه قضاییه در برابر نفوذ یا مداخله ناروای خارجی دیگر قوا حمایت کرد. استقلال نهادی به خودی خود، هدف نیست، بلکه وسیله‌های است برای دستیابی به هدف اصلی که همان استقلال قاضی است.^۱

با توجه به اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی، استقلال قاضی مطلق است، اما استقلال دستگاه قضایی نسبی است. با این حال، استقلال مطلق قاضی ایجاب می‌کند که با دیگر دستگاه‌ها ارتباطی نداشته باشد و از آن‌ها اثر نپذیرد.^۲ استقلال قضایی نه تنها باید بر شخصیت تمامی قضات حاضر در دستگاه قضا اثر بگذارد، بلکه باید مجموعه قوه قضاییه را به عنوان نهادی که بخشی از قدرت عمومی را در اختیار دارد و مجری توافق عموم جامعه در ایجاد عدالت محسوب می‌شود، مجزا از دیگر اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی و دولتی یا خصوصی به نمایش بگذارد.^۳

به این ترتیب، استقلال قضایی باید کامل و همه‌جانبه، در برابر قوه مجریه، در برابر مسئولان قوه قضاییه و حتی در برابر افکار عمومی باشد.^۴ این نوع از استقلال که استقلال نهادی نامیده می‌شود، دربردارنده حقوقی برای دستگاه قضایی است که به جلوگیری از جهت‌گیری و اعمال فشار دیگر قوا و نهادها منجر می‌گردد.

بند دوم. استقلال فردی

حق بر دادرسی عادلانه ایجاب می‌کند که قضات به لحاظ نهادی و شخصی، مستقل از نفوذ و کنترل سیاسی یا اجرایی باشند.^۵ یکی از شروط مهم استقلال قضایی، استقلال شخص دادرس است. استقلال شخصی یعنی آزادی دادرس از هر گونه فشارهای بیرونی است.

ممکن است اثرناپذیری قضات از مقامات و نهادهای خارج از قوه قضاییه به ویژه قوه مجریه از اصطلاح «استقلال قضات» به ذهن برسد. در عالم واقع، بیش از آن که استقلال قضات از طریق مسئولان و مقامات دیگر قوا و به صورت خاص، قوه مجریه مخدوش شود، ممکن است به دست مقامات درون قوه قضاییه مخدوش گردد. البته گفتنی است که این

۱. رجبی، عبدالله و اسماعیل کریمیان، «مسند قضا و استقلال قضایی»، مجله پژوهش‌نامه حقوقی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۹، ص ۸۰.

۲. همتی، مجتبی و غلامرضا داوودی، «مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در پرتو اصول بنگلور»، مجله مطالعات حقوقی، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۶، ص ۲۸۵.

۳. رجبی و کریمیان، پیشین، ص ۷۳.

۴. آخوندی، پیشین، ص ۳۷۵.

۵. فضایی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران: شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۱۸۰.

خداشمار شدن صرفاً بعد ظاهری و دستور علنی مقامات و نهادهای بالادستی به قضات را شامل نمی‌شود، بلکه گاهی اظهار نظر هر چند غیر رسمی یک مقام عالی در قوه قضاییه درباره یک پرونده یا موضوعات و پرونده‌های مطرح در دادگاه‌ها نیز هست.^۱ استقلال قضایی و مستقل بودن قوه قضاییه از قوای مجریه و مقننه، شرطی لازم، ولی ناکافی است. تحقق استقلال قضایی علاوه بر استقلال دستگاه قضایی در گرو استقلال شخص قاضی به ویژه قضات محکمه یا اصطلاحاً قضات نشسته است.^۲ استقلال قاضی در صدور حکم و هر گونه تصمیم‌گیری عادلانه و مبتنی بر واقعیت موجود در پرونده مستلزم آن است که هیچ مقامی، حق تغییر و برکناری او را نداشته باشد. این همان موقعیتی است که از آن به اصل تغییرناپذیری قضات یاد می‌شود.

بند سوم. بی‌طرفی

دیوان اروپایی حقوق بشر در سال ۱۹۹۲ چنین نظر داد: «بی‌طرفی دادگاه به این معناست که قاضی نباید در پرونده مطروحه پیش‌فرض داشته باشد و نباید به گونه‌های عمل کند که منافع یکی از طرفین را ارتقا دهد. مبنای اصلی بی‌طرفی را باید برابری افراد نسبت به یکدیگر و در رابطه با مقامات عمومی در برابر قانون و دادگاه دانست».^۳ عینیت یافتن اصل استقلال قضایی، شرط دومی هم دارد و آن، استقلال مجموعه دستگاه قضایی از دیگر ارکان حکومت به وسیله اصل تفکیک قواست. به یک تعبیر، استقلال دستگاه قضایی یعنی دیگر ارکان حکومت به قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های نهاد قضایی احترام بگذارند؛ قوه قضاییه، بودجه کافی از قوه مقننه دریافت کند و استقلالش، موضوع مصالحه‌های سیاسی قرار نگیرد.^۴ سازمان ملل متحد در گزارشی با عنوان «استقلال، بی‌طرفی و یک‌پارچگی دستگاه قضایی» با در نظر داشتن سند اصول اساسی در مورد استقلال دستگاه قضایی، چارچوب حقوقی استقلال قضایی را ترسیم می‌کند:

۱. پروین، خیرالله و حسین آینه نگیری، «تأملی بر آثار صلاحیت قضایی رییس قوه قضاییه در پرتو بازشناسی این صلاحیت در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۳۹۷، ص ۱۲۶.
۲. دهقانی، علی، «استقلال قضایی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸، ص ۸۷.
۳. ناجی، مرتضی، «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶، ۱۳۸۸، ص ۳۳.
۴. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، «عدالت روی‌های و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۹، ۱۳۸۹، ص ۳۵۸.

۱. انحصاری شدن صلاحیت رسیدگی به امور قضایی در قوانین؛
۲. شروع و خاتمه دعاوی در درون قوه قضاییه و در نظر گرفتن صلاحیت بازنگری در آراء، تن‌ها توسط دادگاه بالاتر؛
۳. صلاحیت دادگاه‌ها در بی‌اعتبار اعلام کردن قوانین و مقررات مغایر قانون اساسی یا موازین حقوق بشری و نظارت بر کارکرد دستگاه اجرایی؛
۴. امکان ناپذیری تشکیل مراجعی خارج از دستگاه قضایی و به موازات دادگاه‌ها؛
۵. لزوم الزام‌آور بودن تصمیمات قضایی.
۶. استقلال نهادی در چهار سطح اداری، مالی، الزام‌آوری تصمیمات و داشتن صلاحیت انحصاری^۱.

گفتار دوم. تضمین اصل استقلال قضایی در دوره مشروطیت

بند اول. سیر تاریخی

پس از تصویب متمم قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۲۸۶، قواعد و مقررات عادی برای تنظیم و تثبیت قوه قضاییه به تصویب رسید. اولین قانون، قانون اصول تشکیلات عدلیه و شرعیه و حکام صالحیه مصوب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی در ۲۱ رجب ۱۳۲۹ بود. بر طبق ماده ۱۵ این قانون، رؤسا و اعضای محاکم و صاحب‌منصبان و مستنطقین عدلیه را دولت تعیین می‌کرد. به این ترتیب، از همان ابتدا قوه قضاییه زیر نفوذ و تأثیر قوه مجریه قرار گرفت. متمم قانون اساسی مشروطیت در اصل ۸۱ و ۸۲، دو شاخص مهم استقلال قضات (منع عزل و تغییر سمت و محل قضات) را به رسمیت شناخته بود، اما در ابتدای مشروطیت، تفسیرهای نامحدودی از این اصول می‌شد.

در قانون یادشده، در باب سوم که موارد عزل حکام عدلیه را پیش‌بینی کرده بود، از قبیل ارتکاب جنحه و جنایت و اعمالی که خلاف شرف قضات باشد، حکم عزل آن‌ها را به رسیدگی و رأی مجلس عالی موکول کرده بود که این حکم را وزیر عدلیه اجرا می‌کرد. از طرف دیگر، اگر قاضی، بیمار بود و نمی‌توانست کار کند، قانون مقرر داشته بود اگر استعفا ندهد، باید احضار شود و اگر باز استعفا نمی‌داد، خود به خود مستعفی شناخته می‌شد. در قوانین دیگری نیز از قبیل قانون استخدام قضات ۱۳۰۲، انتظار خدمت پیش‌بینی شده بود. قوانین و مقررات جزئی در همان اوایل وضع شده بود، اما اسناد و مدارک موجود از رعایت نشدن اصل استقلال قضات در آن زمان حکایت دارد. کاپیتولاسیون هم وجود داشت. در همین زمینه، اداره‌های وزارت خارجه تشکیل شده بود به نام اداره محاکمات که دعاوی اتباع روسیه را با ایرانی‌ها

۱. گرجی از ندریانی، علی‌اکبر و سمانه رحمتی‌فر، «استقلال قضایی به مثابه پیش‌شرط توسعه حقوق شهروندی»، فصل‌نامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۱۸.

در تهران به این اداره و در شهرستان‌ها به کارگزاری‌ها ارجاع می‌دادند.^۱ قضاات نه تن‌ها در صدور حکم، بلکه در اجرای حکم نیز استقلال نداشتند. «اجرای احکام در آن تاریخ واقعاً دشوار و سهمگین بود. به کار بردن آن احکام بر ضد منتفذان و سرمایه‌داران و اعیان و اشراف آن روزگار کار ساده‌ای نبود؛ چون آن افراد، عدلیه را قبول نداشتند».^۲

پس از تغییر حکومت، رضا شاه برای این که وضعیت دادگستری و قضایی کشور را اصلاح و خود را به عنوان شخصی طرفدار اجرای عدالت معرفی کند، علی‌اکبر داور را به عنوان وزیر عدلیه برگزید. داور در ۲۰ بهمن ۱۳۰۵، همه تشکیلات قضایی و اداری وزارت عدلیه را منحل کرد.^۳ وی در جلسه علنی پنج‌شنبه ۲۷ بهمن ۱۳۰۷ در زمینه اصلاح دادگستری، لایح‌های را تقدیم مجلس شورای ملی کرد و خواهان تصویب این ماده واحده شد: «وزیر عدلیه مجاز است به وسیله کمیسیون‌های مرکب از اشخاص بصیر، مواردی راجع به اصلاح اصول تشکیلات و محاکمات و استخدام عدلیه تهیه و به موقع اجرا بگذارد تا پس از آزمایش در عمل به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید. کمیسیون‌های مذکور، چهار ماه پس از تصویب این قانون منحل می‌شوند.

تبصره: وزیر فعلی عدلیه می‌تواند اشخاصی را که لازم می‌داند اعم از این که سابقه استخدام دولتی داشته باشد یا نه، برای مؤسسات اداری و محاکم عدلیه انتخاب نموده، مؤسسات و محاکم را از این اشخاص دایر نماید».

هنگام بررسی این ماده واحده در مجلس شورای ملی، مخالفت‌هایی نیز با استدلال مخالف بودن این ماده واحده با قانون اساسی صورت گرفت، اما این ماده واحده به تصویب رسید.^۴ به این ترتیب، مهم‌ترین شاخص استقلال قضایی (منع عزل و انفصال قضاات) از طریق تصویب یک ماده واحده نقض و یکی از قوای مملکت تعطیل شد. دیگر شاخص مهم استقلال قضایی، منع تغییر و انتقال قضاات است. در سال ۱۳۱۰،

۱. منصوریان، جعفر، «الغای کاپیتولاسیون»، مجله حقوق مردم، سال یازدهم، شماره‌های ۴۲ و ۴۳، ۱۳۹۱، ص ۳.
۲. عاملی، باقر، داور و عدلیه: علی‌اکبر داور و نقش او در تأسیس دادگستری نوین ایران، تهران: نامک، ۱۳۹۷، ص ۱۴: «مشهور است که وقتی عدلیه، فرمان‌فرما را برای پاره‌ای از توضیحات احضار کرد، وی ضمن نثار چندین دشنام و ناسزا گفت: عدلیه باید نزد من بیاید، نه من نزد او بروم».
۳. عاملی، باقر، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی (جلد ۱)، تهران: گفتار و نامک، ۱۳۸۷، ص ۲۱۸.

۴. داور در دفاع از ماده واحده خویش در پی اعتراض یکی از نمایندگان چنین اظهار نظر می‌کند: «اولاً در نظر آقا باشد، قانون اساسی اظهار نمی‌کند که باید حکماً فلان قدر محکمه باشد، فلان قدر تشکیلات باشد. این تشکیلات را نمی‌شود کم و زیاد کرد. می‌گوید قاضی را نمی‌شود منفصل کرد، مگر به حکم قانون. بنده کاری که کرده‌ام، عبارت بوده است از انحلال تشکیلات عدلیه یک شهر، کاری است که در این مملکت سابقه داشته،

قانون تفسیر اصل ۸۲ قانون اساسی به تصویب رسید. در مهر ۱۳۲۳ هم وزارت دادگستری در لایحه‌های که به مجلس شورای ملی تقدیم کرد، خواهان حذف قانون تفسیر اصل ۸۲ و دادن اختیار سلب رتبه قضایی از مأموران متخلف به دادگاه انتظامی شد که این لایحه به کمیسیون رفت، اما هرگز طرح و بررسی نشد.

بند دوم. اصل استقلال در فرآیند جذب و گزینش قضات (دوره مشروطه)

اولین قانون در این زمینه، قانون اصول تشکیلات عدلیه، مصوب ۱۳۲۹ هـ.ق بود که به موجب آن، قضات عالی‌مقام (رؤسا و مستشاران تمیز، رؤسا و کارمندان محاکم استیناف و رؤسای محاکم ابتدایی) به تصویب وزیر عدلیه و با صدور فرمان همایونی منصوب می‌شدند و دیگر قضات به حکم وزارتی^۱ در ۲۵ حَمَل (فروردین) ۱۳۰۲، قانون استخدام حکام و محاکم عدلیه و صاحب‌منصبان پارک به تصویب رسید. در این قانون، تغییرات چندانی صورت نگرفته و استخدام قضات هم‌چنان در دست وزیر دادگستری باقی مانده بود. در اختیار گرفتن امور قضایی کشور به دست شخصی به نام وزیر دادگستری که خود، جزء کابینه دولت و قوه مجریه بود، از ابتدا استقلال قضایی را زیر سؤال برد و مفاسدی به همراه آورد.

گفتار سوم. سازوکارهای تأمین استقلال قضات در قانون اساسی و قوانین عادی

برخی از نویسندگان بر این نظرند که مفهوم استقلال مندرج در اصل ۱۵۶ قانون اساسی از استقلال به کار رفته در اصل ۵۷ متفاوت است. بر اساس این نظر، استقلال در اصل ۱۵۶ در معنای بی‌طرفی و استقلال در تشخیص حق و عدالت به کار رفته و منظور از آن، استقلال کارکردی قاضی در دادرسی است. در این نظر، استقلال اداری و تشکیلاتی قوه قضاییه، طریقی برای تأمین استقلال شخصی قضات تلقی می‌شود و از این جهت، موضوعیت ذاتی ندارد.^۲

بند اول. اصل استقلال در گزینش قضات

یکی از اهدافی که در مسیر اصلاح دادگستری باید به آن توجه شود، وجود قضات عالم و متخلق به اخلاق است. قوه قضاییه با جذب افراد شاخص و فرهیخته، زمینه را برای تحقق امنیت و حفظ حقوق شهروندان فراهم می‌کند که انتظار اساسی از عدالت هم همین است.

۱. متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی (جلد ۱)، تهران: بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۴۹، ص ۱۵۶.

۲. آرامش، رسول، «آسیب‌شناسی حقوقی استقلال قضایی و دستگاه قضایی»، مجله وکالت، شماره ۹،

۱۳۸۰، ص ۱۴.

بدیهی است اصلاح دادگستری توسط قضات مستقل قابل اجرا خواهد بود و قضات زمانی استقلال خواهند داشت که شرایط علمی و اخلاقی منصب قضا را داشته و در مسیر انجام وظایف شغلی خود، نفوذناپذیر باشند.^۱

نظام استخدامی مناسب هم برای کارمندان دستگاه‌های اجرایی و هم برای قضات و کارمندان قوه قضاییه، یکی از دغدغه‌های اساسی برای تصمیم‌گیرندگان است؛ زیرا مهندسی یک نظام استخدامی مناسب، نیازمند برخورداری از اطلاعات علمی و فنی بسیار زیادی است. همان‌طور که قانون اساسی، امور اداری و استخدامی قوه قضاییه را به صورت مستقل از دولت منظور کرده است، این نظام در عمل نیز باید از بدنه تصمیم‌گیری دولت جدا شود.^۲ انتصاب یا انتخاب قاضی باید مبتنی بر ضوابط عینی باشد و توسط نهادی مستقل و بدون طرفداری سیاسی صورت گیرد. هر قدر شیوه گزینش و انتخاب قاضی، بیش‌تر بر شایستگی، قابلیت‌های فردی، معیارهای عینی و سنجش‌پذیر استوار باشد، می‌توان استقلال رأی در نظام قضایی را مشاهده کرد. در مقابل، اگر استخدام و گزینش قضات بر معیارهای نامتعارف، مبهم و روابط ناسالم و سیاسی استوار باشد، دایره استقلال به نفع توصیه‌پذیری و پیروی از مقامات بالادست محدود خواهد شد.^۳

یکی از معیارهای مهم برای احراز و تشخیص استقلال قضایی، شیوه‌های است که از طریق آن، اشخاص برای تصدی منصب قضایی انتخاب و نصب می‌شوند. اصولاً دو روش اصلی برای برگزیدن قضات وجود دارد: یکی، روش انتخاب توسط مردم و دیگری، روش انتصاب از طرف قوه مجریه یا دستگاه‌های دیگری که برای این کار صلاحیت دارند. امروزه در بیش‌تر کشورهای جهان، روش انتصاب قضات متداول است، اما در برخی کشورها هنوز روش برگزیدن قضات از طریق انتخابات عمومی رایج است.^۴ برای این‌که در بی‌طرفی و استقلال قضات هیچ شک و شبه‌های نباشد، باید انتصاب قضات بر اساس اصولی عینی صورت گیرد که مشخص‌کننده برتری علمی و اخلاقی داوطلبان باشد. هم‌چنین روند انتصاب قضات باید شفاف و قابل ارزیابی باشد و در این زمینه، تأسیس نهادی مستقل توصیه می‌شود؛ زیرا وجود یک نهاد مستقل در چنین زمینه‌هایی می‌تواند

۱. مهدوی، ابراهیم، «طرق اصلاح دادگستری»، مجله کانون وکلا، شماره ۹۲، ۱۳۴۳، ص ۵۵.

۲. آقای طوق، مسلم، گزارش نشست علمی «آسیب‌شناسی نظام استخدامی قضات و کارمندان قوه قضاییه»، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، بی تا، ص ۳.

۳. ویژه، محمدرضا و محمدرضا محمدی کشکولی، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین اصل بی‌طرفی قضایی در نظام بین‌الملل و حقوق ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و چهارم، شماره ۸۴، ۱۳۹۷، ص ۲۹۳.

۴. صناعی، پرویز، حقوق و اجتماع، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۴۶۰.

به تخصصی شدن امور کمک کند و احتمال تخصصی بودن استخدام قضات را بالا ببرد.^۱ طبق بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آن‌ها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آن‌ها و مواردی مانند آن، طبق قانون از وظایف رییس قوه قضاییه است. بنابراین، با مروری بر شیوه انتخاب قاضی برای تصدی امر قضا در ایران می‌توان گفت انتخاب قضات به شیوه کاملاً انتصابی است و نصب قضات به دست رییس قوه قضاییه است. رییس قوه قضاییه نیز خود طبق قسمت «ب» بند ۶ اصل ۱۱۰ و نیز اصل ۱۵۷ قانون اساسی، منصوب مقام رهبری است که همین امر، استقلال قضایی را خدشه‌دار کرده است. دیگر ایراد مهم به شیوه انتخاب قضات در نظام قضایی ایران این است که به معیارهای ذهنی در گزینش قضات توجه می‌شود، در حالی که استاندارد مشخصی برای احراز آن‌ها وجود ندارد.^۲

قانونی مدوّن و یک‌پارچه در مورد جذب و گزینش قضات وجود ندارد و به قوانین و آیین‌نامه‌هایی مانند آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات با استناد به بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی ایران، قانون استخدام قضات و شرایط کارآموزی، مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحیه آن، قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۱۳۶۱ و اصلاحات آن، ماده واحده قانون اختیارات رییس قوه قضاییه، مصوب ۱۳۷۱ می‌توان اشاره کرد. بر اساس ماده ۱۴ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان امر قضا و استخدام قضات، اداره کل گزینش قضات پس از پیمودن مراحل، حداکثر ظرف ۴ ماه با تهیه گردش کار و اعلام نظر، پرونده را به هیئت احراز صلاحیت داوطلبان تصدی منصب قضا ارسال می‌کند. آن مراحل عبارتند از:

۱. استعلام از مراجع ذی‌ربط؛

۲. تحقیقات محلی؛

۳. مصاحبه عقیدتی و سیاسی؛

۴. آزمون‌های روان‌شناختی؛

۵. تعدیل و توثیق داوطلب به وسیله حداقل دو نفر مشهور به عدالت.

اداره کل گزینش قضات موظف است داوطلب منصب قضا را از طریق بررسی روان‌شناختی، سلامت روانی، تناسب هوش و شخصیت ارزیابی کند. احراز صلاحیت داوطلبان بر عهده

۱. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی

منصفانه، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱.

۲. جزایری، سید عباس، امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر،

تهران: سلمان دانش، ۱۳۹۴، ص ۸۱.

هیئت‌های سه نفره است که اعضای آن از بین قضات یا مسئولان ستادی قوه قضاییه به وسیله رییس قوه قضاییه برای مدت سه سال تعیین می‌شوند. مدیر کل گزینش قضات به عنوان دبیر امور اجرایی هیئت‌ها، عهده‌دار اموری از قبیل تعیین مکان و زمان برگزاری جلسات و دعوت از اعضاست. اعضای هیئت پس از ملاحظه پرونده گزینشی داوطلبان و با توجه به نتیجه مصاحبه علمی داوطلب و نظریه اداره کل گزینش قضات در خصوص صلاحیت عمومی نام‌برندگان اظهار نظر می‌کنند. هیئت با اکثریت آرا تصمیم می‌گیرد.^۱

یکی از مصادیق ضعف ساختاری قوه قضاییه، ضعف در فرآیند گزینش داوطلبان منصب قضاست. آفت مهم گزینش‌ها، اعمال سلیقه شخصی گزینش‌گران در روند فعالیت حرف‌های خود است. بر اثر انجام نشدن صحیح گزینش، یا اشخاص نالایق جذب نهاد قضایی می‌شوند یا احتمال وجود دارد که اشخاص سالم امکان حضور نیابند.^۲

نکته دیگر در خصوص شرایط داوطلبان قضا، شفاف نبودن شرایط عقیدتی، سیاسی و اخلاقی است که قانون‌گذار برای داوطلبان قضا در نظر گرفته است. مفهوم عدالت و تعهد عملی به موازین اسلامی و وفاداری به نظام جمهوری اسلامی ایران روشن نیست. به بیان دیگر، این شرایط قابل احراز و بررسی نیست و مصادیق آن هم روشن نیست. امنیت حقوقی داوطلبان قضا ایجاب می‌کند که قانون‌گذار، شرایط انتخاب‌پذیری و شایستگی آن‌ها را به طور شفاف معلوم کند. در حقوق ایران، رییس قوه قضاییه و مقامات عالی‌رتبه دستگاه قضایی، پس از انتصاب، اختیارات وسیعی در خصوص سرنوشت شغلی قضات دارند.^۳

مطابق تبصره ۱ ماده ۱ قانون استخدام قضات با اصلاحات بعدی، درباره جذب و استخدام قضات باید گفت که «در حال حاضر، قوه قضاییه مجاز است همه ساله از پذیرفته‌شدگان در مسابقات ورودی یا از دانشجویان واجد شرایط رشته قضایی، انتخاب و برای ورود به دوره کارآموزی قضایی استخدام نماید.» سوای شیوه آزمون، انتخاب از میان دانشجویان حقوق هم پیش‌بینی شده که نظر به زمان تصویب قانون، تعداد دانشجویان کم بود، ولی اکنون با وفور دانش‌آموختگان حقوق‌سازگاری ندارد. همان‌طور که پیداست، دوره کارآموزی برای قضات وجود دارد که تقریباً معادل آموزش بدو خدمت کارمندان است. مطابق با بند «ث» ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

۱. حیدرنژاد، ولی‌الله، «الگوی مطلوب گزینش قضات در نظام جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.

۲. پیرنیاکان، امیر لطف‌الله و همکاران، «اصلاح دادگستری در پرتو تنقیح قوانین و مقررات»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۷، ۱۳۹۹، ص ۳۲۱.

۳. عزیزی، ابراهیم و همکاران، «تأثیر روش انتخاب قاضی بر استقلال قاضی در حقوق ایالات متحده با نگاهی به حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره هفدهم، شماره ۱، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸.

نیز جذب قضات از طریق آزمون استخدامی و در فضای رقابتی از میان استعدادهای برتر و نخبگان دانشگاهی و حوزوی پیش‌بینی شده است.^۱

در حقوق ایران، برای استخدام قضات باید این مراحل را پیمود: آزمون ورودی، مصاحبه، گزینش و دوره آزمایشی. به موجب ماده ۷ آیین‌نامه قانون گزینش و استخدام قضات، پس از قبولی داوطلب قضا در آزمون و احراز صلاحیت علمی، اداره گزینش و استخدام قضات برای تعیین صلاحیت آنان از طریق مصاحبه و گزینش اقدام می‌کنند. آن گاه قضات دوره آزمایشی سه ساله را سپری می‌کنند. پس از آن و در صورت تأیید صلاحیت نهایی توسط نهادهای بیان‌شده در قوانین استخدامی قضات، به صورت رسمی استخدام می‌شوند. بدیهی است گذراندن دوره آزمایشی توسط قضاتی که از تمامی مراحل گزینش با موفقیت عبور کرده‌اند، نتایج‌های جز خدشه‌دار کردن استقلال آنان نخواهد داشت.^۲

بند دوم. نظارت قضایی بر فرآیند گزینش و استخدام قضات

نظارت قضایی به معنای نظارت دادگاه بر اقدامات و تصمیمات مقام‌ها و نهادهای عمومی بر اساس قواعد و اصول حقوق عمومی است. بر این اساس، دادگاه می‌تواند تصمیم غیر قانونی را ابطال و بی‌اعتباری آن را اعلام کند. بنابراین، دادگاه در نظارت قضایی از صلاحیت بازنگری برخوردار است، نه صلاحیت پژوهشی.^۳

به دلیل رعایت اصل استقلال، فرآیند جذب و گزینش قضات توسط قوه قضائیه صورت می‌گیرد. با این حال، اعمال یادشده، ماهیت و خصلت اداری دارند. رعایت اصل استقلال با امکان نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر فرآیند استخدام و گزینش منافاتی ندارد. بنابراین، رویه قضایی دیوان عدالت اداری هم در سطح شعب و هم در سطح هیئت عمومی نشان‌دهنده نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر تصمیم‌های گزینشی و استخدامی قضات است. برای نمونه، هیئت تخصصی استخدامی دیوان در رأی وحدت رویه شماره ۱۰۳۲۹-۱۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۴۰۱/۵/۲۵-۱۴۰۱ صادر گردیده، با استدلالی صحیح، شکایت را رد کرده است. استخدام قضات سال ۱۴۰۰ صادر گردیده، با استدلالی صحیح، شکایت را رد کرده است. شاکی در بیان شکایت خود و دلایل آن، قرار دادن شرط معدل را با اصل برابری، مغایر

۱. آگاه، وحید و مهدی حسنونند، «امکان سنجی بازگشت قضات به حقوق عام استخدامی پس از ۱۱۰ سال:

تحلیل مبحث ورود به خدمت»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره ۱۰، ۱۴۰۱، ص ۱۰۶.

۲. جزایری فارسانی، سید عباس و فاطمه علی‌اصغرزاده، «نحوه گزینش قضات و تأثیر آن بر استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران»، فصل‌نامه مطالعات حقوقی، شماره ۱۷، ۱۴۰۰، ص ۱۸۹.

۳. شفیعی سردشت، جعفر و همکاران، «اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۶، ۱۳۹۵، ص ۱۳۰.

و مصداقی از تبعیض ناروا دانسته است. هم‌چنین به کلیات قوانین استخدامی از جمله ماده ۴۲ قانون مدیریت خدمات کشوری اشاره کرده است. در مقابل، هیئت عمومی در رأی صادرشده تصریح کرده است: «به موجب بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات شایسته و عزل و نصب آن‌ها از وظایف رییس قوه قضاییه می‌باشد و دخالت سایر قوا در این امر موجب تضعیف اصل تفکیک قوا می‌باشد و به همین لحاظ، در ماده ۱۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، قضات از شمول قانون مذکور خارج شده‌اند. ثانیاً آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی در قضا و استخدام قضات به استناد اصل ۱۵۸ قانون اساسی به تصویب رییس قوه قضاییه رسیده است که در آن، نحوه احراز شرایط برای استخدام قضات تعیین شده است. ثالثاً آرای مورد اشاره هیئت عمومی که شاکی در دادخواست خود به آن استناد نموده است، در خصوص آزمون استخدامی بانک ملی و آزمون استخدامی سازمان تأمین اجتماعی می‌باشد که در مقررات مربوط یعنی قانون مدیریت خدمات کشوری و آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین اجتماعی، تعیین شرط معدل و جاهت قانونی نداشته، لیکن استخدام قضات مشمول مقررات مورد استناد مذکور نمی‌باشد. با عنایت به مراتب فوق، شرط معدل قیدشده در شرایط استخدام اختصاصی سال ۱۴۰۰ قضات، مغایرتی با قوانین نداشته و قابل ابطال نمی‌باشد».

در این رأی، هیئت تخصصی استخدامی با درک صحیح از وضعیت استخدام قضات و لزوم رعایت اصل استقلال در مرحله جذب و اختصاصی بودن فرآیند جذب به قوه قضاییه، مقررات عام استخدامی را در خصوص قضات قابل اعمال ندانسته و به رد شکایت حکم داده است. هیئت عمومی دیوان در رأی وحدت رویه دیگری به شماره ۱۲۱-۱۳۷۹/۱۲/۲۲ در پرونده کلاسه ۷۶/۳۴ با موضوع ابطال دستورالعمل‌های اجرایی تبدیل وضعیت کارکنان قوه قضاییه از اداری به قضایی چنین آورده است: «نظر به این که استخدام قضات به حکم بند ۳ اصل ۱۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اختیارات خاص قوه قضاییه است و وضع ضوابط مربوط به شرایط ورود به خدمت قضایی از لوازم اختیار مذکور محسوب می‌شود و از مقوله استخدام و انتصاب اشخاص به مناسب قضایی یا تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان اداری به قضایی نیست، بنابراین، مفاد دستورالعمل مورد شکایت، مغایرتی با قانون ندارد».

هیئت‌های گزینش قوه قضاییه در فرآیند جذب و گزینش قضات در مقام دادگاه اختصاصی اداری عمل می‌کنند. بنابراین، شکایت از تصمیمات و آرای صادرشده از آن‌ها بر اساس بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، در شعب دیوان قابل شکایت است. شعبه ۲۶ تجدید نظر در مقام رسیدگی به اعتراض شاکی نسبت به هیئت مرکزی گزینش، با این استدلال که رسیدگی در هیئت بدون توجه به ارزش و اعتبار دلایل بوده و در آن، به حقوق مکتسب شاکی و

امنیت شغلی توجهی نشده است، مستند به مواد ۲ و ۱۵ قانون گزینش کشور ضمن نقض دادنامه شعبه بدوی، به وارد بودن شکایت و رسیدگی مجدد در هیئت مربوط حکم داده است.

بند دوم. مصونیت شغلی

بر اساس ماده ۴۲ قانون اصول تشکیلات دادگستری، تعقیب کیفری قضات به اجازه دادگاه عالی انتظامی قضات وابسته است. در این ماده آمده است: «هر گاه در اثنای رسیدگی کشف شود که کارمند قضایی، مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن را مقرون به دلایل و قراین ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید، تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رأی نهایی مراجع کیفری از دادگاه عالی انتظامی تقاضا می‌نماید. دادگاه پس از رسیدگی به دلایل، قرار مقتضی صادر خواهد نمود و در صورت برائت، ایام تعلیق جزء مدت خدمت محسوب و مقرری آن به کارمند داده خواهد شد»^۱.

در سال ۱۳۷۶، قانون جدیدی با نام «قانون رسیدگی به صلاحیت قضات» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و جای‌گزین «قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات»، مصوب ۱۳۷۵ شد. این قانون نیز دارای یک محکمه است که وظیفه رسیدگی به صلاحیت قضایی کسانی را دارد که در صلاحیتشان طبق موازین قانونی از ناحیه مقامات مصرّح در این قانون تردید هست. ممکن است در صلاحیت این مرجع با دادگاه عالی انتظامی اشتباه پیش آید که به نظر می‌رسد قانون‌گذار خواسته است نوعی تخصیص وظیفه یا تقسیم کار انجام دهد.

با دقت در وظایف و صلاحیت دادگاه انتظامی قضات که شامل رسیدگی به سوء شهرت یا رفتار و اعمال منافی حیثیت و شئون قضایی یا انحرافات سیاسی، رسیدگی به تخلفات غیبت غیر موجه و تمرد از نظامات اداری، اعمال نظرهای خصوصی در تصمیم قضایی و اهمال و مسامحه در انجام وظیفه است، درمی‌یابیم که تکلیف محکمه انتظامی فقط رسیدگی به صلاحیت قضایی شخص قاضی است. این کار هم به این دلیل صورت می‌گیرد که نظام جمهوری اسلامی ایران به امر قضا و دارا بودن شرایط و صفات قضاوت بسیار اهمیت می‌دهد.^۲

بند سوم. عزل، انتقال و تغییر قضات

شرط استقلال را می‌توان قاعده‌های تعریف کرد که در آن بر ارتباط نداشتن قاضی با اشخاصی تصریح شده است که به موجب قانون یا عرف اداری، اختیاراتی دارند که می‌توانند در برخی تصمیم‌های وی تزلزل ایجاد کنند. به علاوه برای انجام مستقل وظایف دادگاه باید تضمین‌هایی

۱. داورنیا، رحیم، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، ۱۳۸۵، ص ۱۴۰.

۲. مرادی‌زاده، کیوان، «مبانی مرتبط با استقلال قاضی و امنیت قضات»، دوفصل‌نامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۹۹، ص ۳۳۷.

وجود داشته باشد. این تضمینات به ویژه به شرایط انتصاب و عزل قضات مربوط می‌شود.^۱ طبق بند ۳ اصل ۱۵۸ قانون اساسی ایران، یکی از وظایف رییس قوه قضاییه، عزل قضات است. هم‌چنین طبق اصل ۱۶۴، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دایم منفصل کرد یا بدون رضایت او، محل خدمت یا سمتش را تغییر داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضاییه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل. رییس قوه قضاییه در سال ۱۳۶۹ از شورای نگهبان، تفسیر اصل ۱۶۴ را جويا شد و پرسید که آیا عبارت «مگر به اقتضای مصلحت جامعه»، به صدر اصل ۱۶۴ مربوط است یا ناظر به جمله دوم این اصل است؟ شورای نگهبان در تفسیر اصل ۱۶۴ قانون اساسی بیان داشت: «استثنای مندرج در اصل ۱۶۴ قانون اساسی صرفاً ناظر به جمله دوم اصل یعنی عبارت «یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد» می‌باشد و ارتباطی به جمله صدر اصل ندارد. بنابراین، رییس قوه قضاییه که عالی‌ترین مقام قوه قضاییه است، نیز نمی‌تواند قضات را بدون محاکمه و ثبوت جرم به صورت دایم یا موقت از خدمت منفصل نماید»^۲ بی‌شک، بهترین روش استخدام قضات از طریق مقامات صلاحیت‌دار و به وسیله آزمون است تا مقامات منصوب‌کننده نتوانند نظر خود را به قاضی تحمیل کنند.^۳

با وجود توجه خاص قانون‌گذار اساسی به استقلال برون‌سازمانی قوه قضاییه، موردی نیز وجود دارد که استقلال ساختاری درون‌سازمانی قوه قضاییه را تهدید می‌کند و می‌تواند بر استقلال قاضی اثر نامطلوب بگذارد. وجود رییس قوه قضاییه که یک مقام سیاسی انتصابی است و اختیارات وسیع این مقام در امور اداری، استخدامی، انتظامی و شغلی قضات و هم‌چنین صلاحیت هنجارسازی وی در قالب بخش‌نامه‌های قضایی می‌تواند به صورت غیر مستقیم، ناقض استقلال شخص قاضی در عمل قضایی باشد. در واقع، باید گفت قوه قضاییه ایران از استقلال برون‌سازمانی بالایی برخوردار است، اما استقلال درون‌سازمانی متزلزلی دارد. مطابق نظریه تفسیری شماره ۴۴۸-۱۳۶۹/۴/۲۳-۴۴۸ شورای نگهبان، رییس قوه قضاییه حق عزل قاضی را ندارد و عزل وی تن‌ها در اختیار دادگاه انتظامی قضات و دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات است.

۱. قربانی، علی، «بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر

دادرسی منصفانه»، پایان‌نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۸۹.

۲. روستایی حسین‌آبادی، یاسر و حمید علی‌نژاد، «استقلال قضایی، پیش‌شرط دادرسی عادلانه (مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه)»، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱، ۱۳۹۵، ص ۱۵.

۳. قضایی، علی، «بررسی و تحلیل معیارهای مطلوب در رفتارهای قضات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ص ۷۰.

بند چهارم. دخالت نکردن در امور سیاسی

علاوه بر فشارها و تهدیدهایی که ممکن است گروه‌های بانفوذ جامعه بر قاضی و روند دادرسی اعمال کنند، قضات ممکن است زیر فشار و تهدیدهایی ظریف‌تر و به مراتب، خطرناک‌تر قرار گیرند که به افکار و تمایلات عقیدتی و ایدئولوژی‌های خود آنان مربوط است.^۱

قانون اساسی ایران در مورد دخالت نکردن قضات در سیاست سکوت کرده است. با این حال، چون بالاترین مقام قوه قضاییه، وظیفه تعیین و نصب و انتخاب قضات مستقل را بر عهده دارد، طبق اصل ۱۵۸ دارای وظایف مشخص و معینی است که این وظایف با امور سیاسی منافات دارد. قضات نیز جدای از سیاست‌های دولت و قوه مجریه صرفاً به دادرسی و حل و فصل اختلافات می‌پردازند. هم‌چنین با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی و تفسیر آن یعنی ممنوع بودن قاضی از تصدی هم‌زمان قضاوت و نمایندگی مجلس شورای اسلامی (که یک شغل سیاسی است) و بر اساس روح قانون اساسی و سابقه وجود مسئله دخالت نکردن قضات در سیاست می‌توان گفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر این امر صّحّه گذاشته است.^۲

بند پنجم. مصونیت مدنی قضات

در ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دارای حقوق نوشته، قضات، مصونیت مدنی مطلق ندارند و در برابر افعال تقصیرآمیز خویش در رسیدگی قضایی به دعوایی مسئولند که منجر به وارد آمدن خسارت به اصحاب دعوا شوند.^۳ به نظر می‌رسد نظام استخدومی، سازوکار محوری برای دستیابی به استقلال قضایی باشد. یکی از اصول مهم استقلال قضایی، نداشتن وابستگی استخدومی قضات به قوای تقنینی یا اجرایی کشور است. مسئله استخدام قضات اهمیت دارد و در نظام حقوقی ایران، انتخاب قضات از طریق امتحان‌های علمی از بین دانش‌آموختگان رشته حقوق انجام می‌شود که همانند دیگر کارمندان بخش عمومی است.

پیروی از روش انتخاب قاضی در کشورهای دارای نظام حقوقی کامن‌لا می‌توانست قضاتی شایسته‌تر و مستقل‌تر را وارد دستگاه قضایی کند؛ زیرا قضات در این کشورها از میان

۱. سلمانی سبینی، مرضیه، «مطالعه استقلال قضایی در ایران با نگاهی به نظام قضایی ایالات متحده امریکا»، فصل‌نامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۲۰۸.

۲. سهرابی چهارزی، مریم، «بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴، ص ۶۵.

۳. داورنیا، پیشین، ص ۳۲.

حقوق دانان دارای تجربه حقوقی انتخاب می‌شوند. اصل ۱۵۸ قانون اساسی، استخدام قضات را از وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه می‌داند و رییس قوه قضاییه تنها فردی است که به موجب ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری، مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ درباره استخدام و انتخاب قضات تصمیم می‌گیرد. از این نظر به این فرآیند می‌توان انتقاد وارد کرد که رییس قوه قضاییه، مقامی سیاسی است و انتصاب قضات توسط وی می‌تواند بی‌طرفی در انتخاب قاضی را تنزل دهد.^۱

۱. ویژه و محمدی کشکولی، پیشین، ص ۲۹۰.

نتیجه‌گیری

عدالت اصولاً جنبه‌های مختلف فلسفی، اخلاقی و حقوقی دارد. با این حال، مسلم است که ارزیابی میزان تحقق عدالت در فرآیند اداره امور اجتماعی، مستلزم ملاک‌ها و معیارهای عینی است. فرآیند دادرسی نیز برای آن که عادلانه تلقی شود، باید وصف عینی به خود بگیرد. تن‌ها راه تضمین نتیجه منصفانه و درست در دادرسی کیفری، پیروی از قواعد دادرسی است. از جمله اقداماتی که به تضمین عینی و در نتیجه، عادلانه بودن محاکمه کمک می‌کند، استقلال و بی‌طرفی قاضی است. اهمیت این موضوع به مرتبه‌ای است که توجه حقوق و جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است، به طوری که اگر در محاکم هنگام رسیدگی به دعاوی از اصول شکلی بی‌طرفی و استقلال عدول شود، مصداق در دسترس نبودن عدالت است. قاضی، اختیارات قانونی زیادی دارد که این اختیارات و قدرت را باید با بی‌طرفی و بی‌غرضی کامل برای حل و فصل دعاوی مردم به کار بندند، نه این که قدرت قانونی خود را برای ارضای تمایلات نفسانی به کار گیرد و حق و قانون را نادیده بشمارد. اصل عدالت و بی‌طرفی و پرهیز از غرض‌ورزی، پایه و اساس دادرسی است و خروج از مسیر عدالت و بی‌طرفی، جرم محسوب می‌شود و مستوجب مجازات است.

چون عمل قضایی، عمل حکومتی نیست، اگر محاکم از نفوذ و سلطه دولت خارج شوند و وابستگی اداری و مالی به دولت نداشته باشند و قضات آن از بین اشخاص دارای شرایط اخلاقی و سوابق علمی و عملی انتخاب شوند، می‌توان زمینه آزادی عمل، استقلال و بی‌طرفی دادگاه و قضات را تا حدود زیادی افزایش داد. بنابراین، ضعف قوه قضاییه ناشی از ضعف قاضی و ضعف قاضی ناشی از روحیه ضعیف و ناآشنایی با قدرت قانونی خود است.

رجوع به پیشینه قانون‌گذاری و بررسی تحولات آن در ایران حکایت از آن دارد که با وجود اهمیت استقلال قاضی در تحقق دادرسی عادلانه، به این موضوع، درست توجه نشده است، بلکه در فرآیند قانون‌گذاری همواره شاهد گسترش اختیارات مقام‌های حکومتی با عنوان‌های مختلف و با هدف محدودسازی استقلال قضات هستیم. تهدید اصلی برای استقلال قاضی در ایران، از درون خود قوه قضاییه و از طرف مقامات قضایی است. بنابراین، به نظر می‌رسد که قوانین و مقررات مرتبط با قضات از چشم‌انداز استخدام و ترفیع شغل و ارتقای مقام، تأمین امنیت شغلی، چگونگی تعقیب انتظامی و رسیدگی به تخلف‌ها، اعتباربخشی به رأی، تفسیر و نظر قاضی باید برای تضمین و رعایت استقلال قاضی، اصلاح شوند؛ چون بدون آن نمی‌توان از استقلال قاضی به مفهوم واقعی آن سخن به میان آورد.

با توجه به نقش قواعد شکلی حقوق در دادرسی عادلانه، شایسته است قانون‌گذار در ارتقای کمی و کیفی اصول استقلال و بی‌طرفی بکوشد و رعایت این اصول را تکلیف کند.

همچنین با تصویب قوانین جامع و مانع در کنار در نظر گرفتن ضمانت اجرای متناسب با جرم، از غرض‌ورزی و اظهار نظر مغایر حق قضایی (ناقض اصل بی‌طرفی قضایی) و توصیه‌پذیری و اعمال نفوذ مأموران قضایی و اداری (ناقض اصل استقلال قضایی) پیش‌گیری کند. نظام حقوقی ایران از لحاظ ساختاری و اصول و آیین رسیدگی دچار ضعف‌ها و نارسایی‌هایی است، به گونه‌ای که در استقلال و بی‌طرفی قضایی به طور جدی تردید وجود دارد. بنابراین، ایجاد محاکم مستقل و بی‌طرف برای تکمیل و تکامل هر چه بیش‌تر نظام عدالت قضایی، تأمین اصل برابری سلاح‌ها و پذیرش نظارت بر عملکرد قضات و مجازات قضایی متخلف پیشنهاد می‌شود.

استقلال قضایی قضات که زیرمجموعه استقلال قضایی قوه قضاییه است، شاخص‌ها و سازوکارهایی دارد که مجموع آن‌ها، اصل استقلال قضایی را تضمین خواهند کرد. این شاخص‌ها عبارتند از: نفوذناپذیری و اثرناپذیری، منع عزل قضات، منع نقض رأی قضایی، تمکن مالی قضات و مشخص بودن وظایف و تکالیف آنان. پس حتی اگر قوانین مربوط، استقلال قضایی را در متون خود تأیید کرده باشند، اما شخص قضایی آن اصول را رعایت نکند، باز استقلال قضایی معنا و مفهوم حقیقی نخواهد داشت.

فهرست منابع

۱. کتاب

۱. ابوالحمد، عبدالحمید، **حقوق اداری ایران (جلد ۲)**، تهران: توس، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
۲. آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری (جلد ۴)**، تهران: اشراق، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱. آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری (جلد ۴)**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۴.
۲. آقای طوق، مسلم، گزارش نشست علمی «آسیب‌شناسی نظام استخدای قضات و کارمندان قوه قضاییه»، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، بی تا.
۳. بوشهری، جعفر، **حقوق اساسی (جلد ۱)**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۵۳.
۳. تنگستانی، ابوالقاسم، و ویژگی‌های اختصاصی شغل قضاوت نسبت به سایر مشاغل دولتی (از حیث تأثیر آن در طراحی نظام خاص استخدای)، زیر نظر: عباس توازنی‌زاده، تهران: پژوهشگاه قوه قضاییه، چاپ اول، ۱۳۹۷.
۴. جزایری، سید عباس، **امنیت قضایی در حقوق کیفری ایران و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر**، تهران: سامان دانش، ۱۳۹۴.
۵. رستمی، ولی و همکاران، **دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران**، تهران: گرایش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. صناعی، پرویز، **حقوق و اجتماع**، تهران: طرح نو، ۱۳۸۱.
۷. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۸. عاملی، باقر، داور و عدلیه: علی‌اکبر داور و نقش او در تأسیس دادگستری نوین ایران، تهران: نامک، ۱۳۹۷.
۹. عاملی، باقر، **روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی (جلد ۱)**، تهران: گفتار و نامک، ۱۳۸۷.
۱۰. فضایی، مصطفی، **دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی**، تهران: شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۴.
۱۱. متین‌دفتری، احمد، **آیین دادرسی مدنی (جلد ۱)**، تهران: بی نا، چاپ چهارم، ۱۳۴۹.
۱۲. هاشمی، سید محمد، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۲)**، تهران: میزان، ۱۳۸۹.

۱۳. هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق، دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، تهران: خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲. مقاله

۱. آرامش، رسول، «آسیب‌شناسی حقوقی استقلال قضایی و دستگاه قضایی»، مجله وکالت، شماره ۹، ۱۳۸۰.
۲. آگاه، وحید و مهدی حسنونند، «امکان سنجی بازگشت قضات به حقوق عام استخدامی پس از ۱۱۰ سال: تحلیل مبحث ورود به خدمت»، مجله پژوهش‌های نوین حقوق اداری، سال چهارم، شماره ۱۰، ۱۴۰۱.
۳. پروین، خیرالله و حسین آیینه‌نگینی، «تأملی بر آثار صلاحیت قضایی رییس قوه قضاییه در پرتو بازشناسی این صلاحیت در قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، سال هفتم، شماره ۲۲، ۱۳۹۷.
۴. پیرنیاکان، امیر لطف‌الله و همکاران، «اصلاح دادگستری در پرتو تنقیح قوانین و مقررات»، فصل‌نامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹۷، ۱۳۹۹.
۵. جزایری فارسانی، سید عباس و فاطمه علی‌اصغرزاده، «نحوه گزینش قضات و تأثیر آن بر استقلال قضایی در حقوق کیفری ایران»، فصل‌نامه مطالعات حقوق، شماره ۱۷، ۱۴۰۰.
۶. داورنیا، رحیم، «مسئولیت مدنی قاضی در حقوق ایتالیا، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۴، ۱۳۸۵.
۷. دهقانی، علی، «استقلال قضایی در نظام قضایی ایران در پرتو تحولات قانون‌گذاری»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۸۸.
۸. رجبی، عبدالله و اسماعیل کریمیان، «مسند قضا و استقلال قضایی»، مجله پژوهش‌نامه حقوقی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۸۹.
۹. روستایی حسین‌آبادی، یاسر و حمید علی‌نژاد، «استقلال قضایی، پیش‌شرط دادرسی عادلانه (مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و فرانسه)»، فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۱، ۱۳۹۵.
۱۰. سفری، محمدعلی، «انگیزه داور در انحلال عدلیه چه بود؟»، مجله حقوق مردم، شماره ۲۳، ۱۳۵۰.
۱۱. سلمانی سیبئی، مرضیه، «مطالعه استقلال قضایی در ایران با نگاهی به نظام قضایی ایالات متحده آمریکا»، فصل‌نامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۶.

۱۲. شاملو، باقر و شهرام محمدی، «نقض بی‌طرفی و استقلال قاضی؛ جلوه‌های از اقدام مُخل دادرسی عادلانه»، مجله تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه شماره ۶، ۱۳۹۰.
۱۳. شفیعی سردشت، جعفر و همکاران، «اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتم، شماره ۹۶، ۱۳۹۵.
۱۴. عزیزی، ابراهیم و همکاران، «تأثیر روش انتخاب قاضی بر استقلال قاضی در حقوق ایالات متحده با نگاهی به حقوق ایران»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره هفدهم، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۱۵. فرمنش، طاهره و همکاران، «بررسی تعارض تبصره ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی با استقلال قاضی مجتهد»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲۴، ۱۴۰۰.
۱۶. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و جعفر شفیعی سردشت، «اعمال نظارت‌ناپذیر قضایی دولت»، فصل‌نامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۹۹.
۱۷. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و سمانه رحمتی‌فر، «استقلال قضایی به مثابه پیش‌شرط توسعه حقوق شهروندی»، فصل‌نامه جستارهای حقوق عمومی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۱۸. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر، «عدالت روی‌های و تحول‌گرایی در لایحه آیین دادرسی دیوان عدالت اداری»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۹، ۱۳۸۹.
۱۹. لارکینز، کریستوفر، «استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه: محمدحسین زارعی، راهبرد، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
۲۰. محسنی، حسن و مجید غمامی، «رابطه میان استقلال قضاوت و استقلال وکالت»، فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره چهل و پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۴.
۲۱. مرادی‌زاده، کیوان، «مبانی مرتبط با استقلال قاضی و امنیت قضات»، دوفصل‌نامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره ۲، ۱۳۹۹.
۲۲. منصوریان، جعفر، «الغای کاپیتولاسیون»، مجله حقوق مردم، سال یازدهم، شماره‌های ۴۲ و ۴۳، ۱۳۹۱.
۲۳. مهدوی، ابراهیم، «طرق اصلاح دادگستری»، مجله کانون وکلا، شماره ۹۲، ۱۳۴۳.
۲۴. ناجی، مرتضی، «بی‌طرفی در دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۶، ۱۳۸۸.
۲۵. نوری‌زاده، حسین، «امنیت قضایی»، ماهنامه کانون وکلا، بی تا.
۲۶. همتی، مجتبی و غلام‌رضا داوودی، «مطالعه تطبیقی استانداردهای رفتار قضایی (اسلام، ایران، امریکا و چین) در پرتو اصول بنگلور»، مجله مطالعات حقوقی، دوره نهم، شماره ۲، ۱۳۹۶.

۲۷. ویژه، محمدرضا و محمدرضا محمدی کشکولی، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین اصل بی‌طرفی قضایی در نظام بین‌الملل و حقوق ایران»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره بیست و چهارم، شماره ۸۴، ۱۳۹۷.

۲۸. یآوری، اسدالله و قاسم تنگستانی، «نظام پاسخ‌گویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه»، مجله حقوقی دادگستری، دوره هشتم، شماره ۹۵، ۱۳۹۵.

۳. پایان‌نامه

۱. حیدرنژاد، ولی‌الله، «الگوی مطلوب گزینش قضات در نظام جمهوری اسلامی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۷.
۲. سهرابی چهارزی، مریم، «بررسی تطبیقی استقلال قضات در حقوق ایران و انگلستان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۴.
۳. قربانی، علی، «بررسی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر در زمینه حق آزادی و امنیت و حق بر دادرسی منصفانه»، پایان‌نامه دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۴. قضایی، علی، «بررسی و تحلیل معیارهای مطلوب در رفتارهای قضات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

judicial independence in Iran's legal system; A reflection on the historical developments from the constitutional period to the constitution (with emphasis on the recruitment and selection stage)

Meysam GholiZadeh*

Abbas Ali Soltani**

Mohammad Hadi Ghabooli DarAfshan***

Abstract: The principle of independence of judges is one of the principles that guarantee a fair trial. Independence can be examined from two dimensions: the first dimension is the institutional independence of the judiciary, and on this basis, the judiciary must act independently from other powers and not be influenced by the influence and possibly the political intentions of other powers. Another dimension of independence is the individual independence of judges, and it means not to exert any pressure from superior authorities or political pressure. Judicial independence has various dimensions, including: impartiality, health, competence. In order to guarantee the principle of the independence of judges, mechanisms have been foreseen by the legislator, among which we can refer to the observance of regulations in the process of recruitment and selection of judges, application of occupational immunity, civil immunity and regulations related to dismissal, transfer and change of judges. The principle of judicial independence appeared in the laws of the constitutional

*. PhD student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. mr.meysamgh@yahoo.com

** . Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (Corresponding Author). soltani@um.ac.ir

***. Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. h.ghaboli@um.ac.ir

era, and the principle of independence of judges is mentioned in the Constitution of the Islamic Republic of Iran as well as some ordinary laws. The research method in this study is descriptive-analytical, and the library method was used to collect the sources. The results of this study show that although the legislator, especially after the victory of the Islamic Revolution, has tried to realize the principle of the independence of judges in a more effective way, there are still shortcomings in the full realization of this principle, which requires amending the laws to solve this problem. We are available.

Keyword: individual independence, institutional independence, neutrality, constitution, separation of powers.